

چالش‌های الزام قانونی ثبت عملیات صدور و انتقال چک در سامانه صیاد

نادر ولایی^۱

سید علی حسین زاده^۲

رضا خطابخش^۳

چکیده

به موجب تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، ثبت صدور و انتقال چک در سامانه صیاد الزامی است و چک‌هایی که مالکیت آن‌ها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد از شمول قانون صدور چک خارج است؛ بنابراین وضعیت حقوقی دارنده نسبت به چک‌هایی که در مرحله صدور و انتقال ثبت نشده، با خلاء قانونی مواجه و نیازمند بررسی است. ارکان صدور چک در قانون تجارت معین است و تغییرات قانون صدور چک موجب اختلاف در تغییر ارکان صدور چک شده است. در این زمینه، هدف قانون‌گذار و عبارات قانونی اهمیت به سزایی در تشخیص نسخ یا عدم نسخ ضمنی قانون تجارت دارد؛ موضوعی که این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی به آن می‌پردازد. آنچه از پژوهش حاضر حاصل شده، چنین است که چک ثبت نشده در رویه قضایی سند عادی محسوب می‌شود و احکام صدور و انتقال چک و حقوق دارنده چک مبتنی بر این عقیده ارزیابی می‌شود. به نظر می‌رسد قانون تجارت بر چنین اسنادی حاکمیت دارد و این موضوع می‌تواند در تبیین احکام یاد شده مؤثر باشد؛ البته بانک‌ها که مکلف به تبعیت از مقررات قانون صدور چک می‌باشند، در مواجهه با چنین اسنادی برخورد متمایزی خواهند داشت و به طور مثال گواهی‌نامه عدم پرداخت صادر نمی‌کنند.

واژگان کلیدی: چک، سامانه صیاد، ارکان صدور چک، ضمانت اجرا، رویه قضایی.

۱. دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی، رئیس شعبه ۴۳ دادگاه عمومی حقوقی تبریز؛ نویسنده مسؤل:

nader.vellaei@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی، معاون دادستان عمومی و انقلاب تبریز

mirsavadi@gmail.com

۳. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دادرس دادگاه عمومی حقوقی تبریز
khatabakhshreza@gmail.com

درآمد

قانون صدور چک با اهداف مختلفی از جمله کاهش چک‌های پرداخت نشدنی و افزایش اعتبار چک در سال ۱۳۹۷ اصلاح شد و در سال ۱۴۰۰ آخرین اصلاحات را تجربه کرد و به مانند گذشته، باعث تغییرات جدید در نظام حاکم بر مقررات چک شد. در ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، کلیه دسته چک‌های صادره از ابتدای ۱۴۰۰ شامل شرایط جدیدی شد. شرط الزامی بودن ثبت چک در سامانه صیاد در قانون صدور چک جایگاه روشنی ندارد؛ زیرا وضعیت چک ثبت نشده در مراودات مالی مبهم است؛ وضعیتی که شامل ضمانت اجرای مدنی و کیفری چک ثبت نشده و احکامی مانند شرایط مسؤولیت صادرکننده و سایر امضاءکنندگان این سند است. در این زمینه، رویه قضایی چالش‌های جدیدی را تجربه می‌نماید و نیازمند راه‌حلهایی برای جبران خلأهای قانونی است.

دعاوی مختلفی در ارتباط با چک‌های ثبت نشده مطرح می‌شود؛ مانند دعوی الزام صادر کننده یا ظهرنویس به ثبت یا انتقال چک در سامانه صیاد، مطالبه وجه از بابت چک ثبت نشده نسبت به صادر کننده و سایر مسؤولان ظاهری چک و شکایت کیفری صدور چک پرداخت نشدنی. قصد مقاله حاضر، بررسی چالش‌های موجود در پرونده‌های قضایی است و در عین حال رویکردهای نظری بنیادین را مؤثر در حل این چالش‌ها می‌داند. از جمله مسائل بنیادینی که مستلزم بررسی است، پاسخ به این پرسش‌های اساسی است که: آیا ثبت چک در سامانه صیاد از ارکان صدور چک تلقی می‌شود؟ آیا قانون تجارت در برخی احکام مرتبط با وضع قانون صدور چک و اصلاحات بعدی نسخ شده است؟ پاسخ به سؤالات فعلی از آن جهت حائز اهمیت است که رفع ابهام از این موارد نشان خواهد داد که در نظام تجاری حاضر، دو نوع چک داریم یا یک نوع؛ یعنی بر اساس شرایطی، چک تابع مقررات قانون صدور چک است و تحت شرایطی تابع قانون تجارت و در هر مورد به پیروی از مقررات مربوط شرایط خاصی خواهد داشت؟ چکی که تابع قانون صدور چک نباشد و صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت یا پرداخت وجه آن توسط بانک ممکن نباشد، آیا با وخواست از شرایط قانون تجارت بهره‌مند می‌شود؟ بررسی‌های یاد شده حتی در بررسی ضمانت اجرای کیفری نیز قابل توجه است، ولی از حیث ارکان جرم پیش‌بینی

شده در قانون صدور چک، شرایط مستقلى هم باید لحاظ شود که متأثر از بررسی ارکان تحقق جرم صدور چک بلامحل است. علاوه بر عدم ثبت چک در سامانه صیاد، مغایرت اطلاعات ثبت شده با اطلاعات چک کاغذی هم چالش‌های مرتبطی را در پی دارد که در این نوشتار به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. جایگاه الزام قانونی ثبت چک در سامانه صیاد

تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک^۱ دارنده چک را بر اساس مالکیت ثبت شده چک در سامانه صیاد شناسایی کرده و نتیجه این الزام برای بانک‌ها، باعث شده موضوع صدور چک مستلزم ثبت در سامانه صیاد باشد و حتی انتقال و ظهرنویسی نیز تنها از طریق سامانه صیاد امکان‌پذیر بوده و ظهرنویسی فیزیکی حذف شده است؛ رویکردی که در کنوانسیون ژنو و حقوق کشورهای چک انگلیس و فرانسه فاقد سابقه است (اسکینی و یمرلی، ۱۴۰۰: ۱۲-۱۳). در این بخش به دیدگاه‌های مرتبط با جایگاه این الزام قانونی و مطالب مرتبط می‌پردازیم.

۱-۱. الزام قانونی با هدف نظارتی

تشخیص ماهیت این الزام قانونی، در تشخیص ضمانت اجرای عدم ثبت چک در سامانه صیاد مؤثر است؛ چنانچه عده‌ای این الزام قانونی را تنها یک حکم تکلیفی و جهت نظارت و کنترل بانک محال‌علیه و بانک مرکزی بر روند صدور و گردش اوراق چک می‌دانند و در نتیجه چک را قابل پرداخت توسط بانک دانسته و آثار سند تجاری را بر چنین سندی بار می‌کنند (عبدی‌پورفرد، ۱۴۰۱: ۲۵۰). این دیدگاه با توجه به طرح اصلاحی قانون صدور چک^۲ که الزام ثبت صدور و انتقال چک را پیش‌بینی نکرده بود قابل دفاع است؛ زیرا در ماده ۶ طرح اولیه اعلام شده بود دسته چک‌های تسلیمی باید در دو نسخه تنظیم شده و یک نسخه به رسید دریافت‌کننده برسد و در زمان صدور دسته چک جدید نسخه ثانی به بانک ارائه شود تا مشخص

۱. «صدور چک در مورد برگه چک‌هایی که از دسته چک‌های ارائه شده پس از پایان اسفندماه سال ۱۳۹۹ صادر می‌شوند، تسویه چک صرفاً در سامانه تسویه چک (چکاوک) طبق مبلغ و تاریخ مندرج در سامانه و در وجه دارنده نهایی چک بر اساس استعلام از سامانه صیاد انجام خواهد شد و در صورتی که مالکیت آن‌ها در سامانه صیاد ثبت نشده باشد، مشمول این قانون نبوده و بانک‌ها مکلفند از پرداخت وجه آن‌ها خودداری نمایند...».

۲. این طرح در سایت <http://nazarat.shora-rc.ir> مربوط به نظرات شورای نگهبان در بخش مصوبات مجلس در دسترس می‌باشد و سوابق طرح اصلاحی قانون صدور چک قابل مشاهده است.

شود چک‌ها از حیث مشخصات انطباق دارند. این روند نظارتی موجب حصول مقصود نبود؛ زیرا بررسی انطباق به کیفیت مزبور مربوط به اراده انسانی می‌شد و از طرفی ضمانت اجرای مناسبی نداشت. هدف از نظارت بر چک‌های صادره این بود که صادر کنندگان بیش از سقف اعتبار تعیین شده چکی صادر نکنند^۱ و در ماده ۷ این طرح پیش‌بینی شده بود که بانک‌ها بر روی هر یک از برگه‌های چک حداکثر مبلغ قابل پرداخت را تعیین نمایند و در صورت درج مبلغ بیشتر، بانک تنها به میزان اعتبار برگه مزبور نسبت به پرداخت اقدام کند. در مراحل تصویب قانون، ثبت در سامانه صیاد جایگزین مقررات یاد شده گردید، ولی سقف اعتباری که هر شخص را محدود می‌نمود عملاً منتفی شد. با استفاده از اعتبار سنجی، امکان تعیین سقف وجود داشت و در این صورت شخص صادر کننده چک نمی‌توانست در مرحله صدور چک یا چک‌های متعدد و هنگام ثبت در سامانه صیاد بیش از سقف تعیینی را ثبت نماید. عدم تعیین سقف اعتبار در مرحله صدور، قانون مذکور را از برخی اهداف اولیه دور کرده است.^۲ نتیجه پذیرش این رویکرد چنین است که بانک‌ها در مواجهه با چک‌های ثبت نشده باید به جهت عدم ثبت چک در سامانه صیاد، گواهی‌نامه عدم پرداخت صادر کنند (عبدی‌پورفر، ۱۴۰۱: ۲۵۱).

۲-۱. الزام قانونی ثبت چک به عنوان رکن صدور چک

اغلب نویسندگان در آثار حقوقی مرتبط با اسناد تجاری، ارکان صدور چک را بر اساس مواد قانون تجارت تعیین نموده‌اند و مواد ۳۱۰ تا ۳۱۲ قانون تجارت در تشخیص مندرجات الزامی چک اعم از قید کلمه چک، امضاء سند، تاریخ صدور، دارنده چک، دستور پرداخت و نام پرداخت کننده را به عنوان ارکان صدور چک شمارش کرده‌اند (اسکینی، ۱۴۰۰ الف: ۲۴۱)؛ به همین جهت ماهیت مدنی صدور چک، قراردادی تشریفاتی توصیف شده است؛ یعنی چک به صورت نوشته تنظیم می‌شود و فرم چاپی مخصوصی دارد که از سوی بانک‌ها تهیه می‌شود و باید موارد

۱. در بند ۲ دلایل توجیهی طرح قانون، این موضوع به صراحت قید شده بود.
 ۲. اگر سازکار اعتبارسنجی مناسبی پیش‌بینی می‌شد، هر شخص دارای سقف اعتباری برای صدور چک می‌شد و مثلاً اگر شخصی به میزان بیست میلیارد ریال کسب اعتبار می‌کرد، می‌توانست نسبت به ده فقره چک خود نهایتاً به مجموع آن اعتبار، چک صادر و ثبت نماید؛ یعنی اگر چک اول خود را به میزان شانزده میلیارد ریال ثبت و صادر می‌کرد، چک دوم خود را نمی‌توانست به بیش از چهار میلیارد ریال صادر و ثبت نماید.

خاصی در آن ذکر شود (امام‌وردی، ۱۳۹۴: ۱۸۹).

تبیین دیدگاه حاضر مستلزم بررسی چستی ثبت چک در سامانه صیاد است؛ به‌رغم مصوبات موجود، در قانون اصلاحی قانون صدور چک و بخشنامه‌های بانک مرکزی، نشانی از چستی ثبت چک مشاهده نمی‌شود و بانک مرکزی در ماده ۵ بخشنامه «الزامات و تکالیف مقرر در قانون اصلاح قانون صدور چک»، ضرورت فراهم شدن شرایط ثبت و انتقال چک را مورد تأکید قرار داده است. ثبت انتقال چک در سامانه صیاد جایگزین ظهنویسی چک شده است. به همین سبب به ذهن متبادر می‌شود که ثبت در سامانه صیاد نوعی امضای الکترونیک است. با توجه به تعریف امضای الکترونیک در بند ۲ ماده ۲ قانون تجارت الکترونیکی^۱ و ابهامات موجود در آن، برخی تعبیری کلی از امضای الکترونیکی ارائه و اعلام کرده‌اند امضای الکترونیکی داده‌پیام‌هایی است که به شکل اطلاعات بیرونی و ریاضی‌وار تأیید می‌شود (ساردوئی نسب و طاهری، ۱۳۹۲: ۱۰۳)؛ در حالی که به نظر می‌رسد امضای الکترونیک یک ترسیم ثبت شده است؛ و نه ورود به یک سامانه و تکمیل فرم صدور و انتقال. به این ترتیب باید قائل به این نتیجه شد که عملیات ثبت صدور و انتقال در سامانه صیاد برای تحقق این عملیات یعنی صدور و انتقال چک، موضوعیت دارد و تشریفات حقوقی خاصی برای عمل ثبت صدور و انتقال به وجود آمده است که عدم رعایت این تشریفات با ضمانت اجرای مندرج در تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک مواجه خواهد شد؛ یعنی چک با شرایط اعلامی از شمول قانون صدور چک خارج می‌شود.

در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۴۷۸ مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه اعلام شده است: «مستفاد از تبصره اصلاحی ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک، ثبت در سامانه صیاد از شرایط صدور چک است». نتیجه این دیدگاه چنین خواهد بود که سند موجود به عنوان چک تلقی نشده و از مزایای سند تجاری بی‌بهره شود. به همین جهت بانک مرکزی طی بخشنامه شماره ۱۱۷۵۳۳ مورخ ۱۴۰۱/۵/۱۱ بانک‌ها را در مواجهه با این اسناد مکلف به تسلیم گواهی عدم ثبت در سامانه صیاد نموده است.

۱. عبارت از هر نوع علامت منضم شده یا به نحو منطقی متصل شده به «داده‌پیام» است که برای شناسایی امضاء کننده «داده‌پیام» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳-۱. ثبت چک در سامانه صیاد شرط حاکمیت قانون صدور چک

ظاهر تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون صدور چک در رابطه با بانک‌ها وضع حکم کرده و چک‌های ثبت نشده در سامانه صیاد را از شمول این قانون خارج کرده است؛ نه این‌که اعلام نماید سند مزبور چک نیست؛ بنابراین چک در این شرایط قابل وصول یا صدور گواهی عدم پرداخت نبوده و به طور کلی هر آنچه به طور خاص در قانون صدور چک از حیث آئینی و ماهوی برای چک وضع شده است شامل چنین چکی نخواهد بود، ولی بدان معنا نیست که چک فاقد خصیصه تجاری باشد، بلکه همچنان و با وجود شرایط قانون تجارت، تابع این قانون است. به این ترتیب دو نوع چک خواهیم داشت: چک بانکی و چک غیر بانکی و چک غیر بانکی طبق شرایط قانون تجارت قابل وخواست است (عابدی، ۱۴۰۱: ۱۳۴).^۱

این نوع تحلیل موافق با ظاهر تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک است، اما با یک ایراد اساسی مواجه است. در ماده ۱ قانون صدور چک، اقسام چک مشخص شده است و در تمام اقسام چک‌های پیش‌بینی شده، محال علیه چک، بانک است و از این منظر تمام چک‌های مورد استفاده باید تحت شرایط قانون صدور چک باشند و تفکیک چک ثبت شده و ثبت نشده به چک بانکی و چک غیر بانکی با مقصود قانون‌گذار سازگار به نظر نمی‌رسد و تمام چک‌هایی که عهده بانک صادر شده، مشمول مقررات قانون صدور چک است. از این رو باید قائل به این دیدگاه بود که اگر چکی از حیث صدور و انتقال فاقد شرایط مقررات قانون صدور چک باشد، به مفهوم عدم رعایت تشریفات قانون صدور چک بوده و در نتیجه اثر صدور و انتقال چک را نخواهد داشت.

۲. وضعیت تعارض قانون تجارت و قانون صدور چک

ملاحظه شد که تفاوت احکام قانون صدور چک و قانون تجارت و اضافه شدن تشریفات جدید برای صدور و انتقال چک این سؤال را ایجاد کرده است که آیا قانون صدور چک وضعیتی مغایر با قانون تجارت ایجاد کرده و آن را نسخ کرده است؟ و آیا قانون صدور چک عملاً موجب تخصیص مقررات قانون تجارت در خصوص احکام مختلف چک شده است یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال، ابتدا برخی

۱. نویسنده در همان منبع این دیدگاه را نقد نموده است.

موارد تعارض ظاهری و دیدگاه‌های نظری و رویه قضایی را بررسی می‌نماییم.

۱-۲. مغایرت‌های قانون صدور چک و قانون تجارت در اوصاف چک

مهم‌ترین مغایرت‌هایی که بین دو قانون قبل از اصلاح اخیر قانون صدور چک مطرح بوده، تفاوت در وضعیت چک مشروط و مقید، چک وعده‌دار و وضعیت محال‌علیه چک است. تاکنون قانون‌گذار در وضع قانون صدور چک و اصلاحات آن به طور قاطع و صریح نسخی نسبت به قانون تجارت پیش‌بینی نکرده است؛ از این رو در موارد تعارض احتمالی، نسخ ضمنی قابل طرح است و این قسم از نسخ مستلزم وجود دو حکم متعارض نسبت به موضوع واحد است. تا جایی که ممکن است نباید قانون‌گذار به تناقض‌گویی متهم شود و دادرس برای رفع ایرادهای عقلی با تفسیرهایی سعی می‌نماید کلام قانون‌گذار را به نحوی تفسیر کند که تعارضی به وجود نیاید، ولی در هر صورت گاهی این موضوع ممکن نیست و عقیده دادرس نسخ ضمنی قانون سابق است (میرزائی، ۱۳۹۵: ۱۹۵). زمانی تعارض رخ نخواهد داد که حکم معارضی وجود نداشته باشد یا موضوع احکام معارض متفاوت باشد. اگر قائل باشیم چک بر اساس شرایط صدور آن به دو نوع چک تابع قانون تجارت و چک قانون صدور چک تقسیم می‌شود، این تعارض منتفی است.

بین احکام قانون تجارت و قانون صدور چک تفاوت‌هایی وجود دارد و لزوم ثبت صدور و انتقال تنها تفاوت دو قانون در رابطه با شرایط چک نیست. بررسی عقایدی که در رویه قضایی و آثار علمی در زمینه تفاوت‌های دیگر وجود داشته، برای تشخیص چالش ثبت صدور و انتقال چک در قانون صدور چک و تأثیری که بر مقررات قانون تجارت دارد می‌تواند مؤثر باشد. بر اساس ماده ۳۱۱ قانون تجارت، چک دستور بدون قید و شرط پرداخت چک است؛ به همین دلیل برخی عقیده دارند چک مشروط یا تضمینی اساساً نمی‌تواند چک تلقی شود؛ زیرا کارایی هر روش پرداختی در گرو تحقق کارکرد آن است و کارکرد چک، پرداخت نقدی و فوری است (فتوحی‌راد، ۱۳۹۹: ۲۳۶ و ۲۴۸). دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۳۰۱۳۷۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۴ شعبه ۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران بر همین اساس چک تضمینی را مشمول قانون تجارت و عنوان چک ندانسته است. در همین راستا بیان شده است: «درج قید و شرط برای پرداخت ما را کاملاً از سندی شبیه به پول دور می‌کند تا

بدان‌جا که قانون‌گذاران ترجیح می‌دهند سند متضمن دستور یا تعهد پرداخت مقید یا مشروط را اساساً از شمول سند تجاری خارج سازند» (کاویانی، ۱۳۹۲: ۷۱). در مقابل گفته شده است با وضع ماده ۳ قانون صدور چک، مقید یا مشروط بودن دستور پرداخت چک موجب بطلان یا خارج شدن سند از عداد اسناد تجاری نیست، بلکه شرط پرداخت چک منتفی تلقی می‌شود؛ زیرا ماده ۳ قانون صدور چک، پرداخت چنین چکی را پذیرفته و اعلام شده است هر گاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن ترتیب اثر نمی‌دهد (دمیرچیلی و سایرین، ۱۳۸۴: ۵۷۸). همین رویه در رابطه با صدور قرار تأمین خواسته نسبت به چک‌های مشروط وجود دارد و به‌رغم دستور پرداخت مشروط بر روی چک، با حصول شرایط و درخواست دارنده، قرار تأمین خواسته بدون اخذ خسارت احتمالی صادر می‌شود. نظریه مشورتی ۷/۱۶۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۹/۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه چک را با داشتن شرایط اساسی ولو این‌که به نحو تضمینی باشد مشمول قانون تجارت دانسته است. برخی تصویب ماده ۲۳ قانون صدور چک در اصلاحات ۱۳۹۷ را گواه باطل بودن چک مشروط و تضمینی می‌دانند و بیان می‌کنند چکی که وصف تنجیزی ندارد مورد حمایت قانون تجارت و قانون صدور چک نیست و یک سند مدنی محسوب می‌شود که دارنده باید بر اساس قواعد مدنی اقدام کند (اکبری دهنو و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۹). ماده یاد شده امکان صدور اجرائیه بدون رسیدگی ماهیتی توسط محاکم دادگستری را پیش‌بینی کرده و از شرایط صدور اجرائیه، مشروط نبودن و تضمینی نبودن چک اعلام شده است.^۱ استدلال اخیر که از شرایط صدور اجرائیه، اوصاف چک را استنتاج نموده است، قابل انتقاد به نظر می‌آید؛ زیرا آنچه به عنوان صدور اجرائیه چک پیش‌بینی شده، راهکاری در زمینه دادرسی خاص نسبت به چک، بدون تشریفات رسیدگی است؛ به طور طبیعی اسناد تجاری که دارای شرایط خاص وصول می‌باشند نمی‌توانند مشمول دادرسی سریع و بدون ورود به ماهیت باشند؛ با این حال بیان قانون تجارت در ماده ۳۱۱ موجب خروج چک تضمینی و مشروط از شرایط چکی است که وسیله پرداخت است و آنچه در ماده ۳ قانون صدور چک بیان شده است به منزله پذیرش چک تضمینی و مشروط به عنوان یک سند تجاری نیست و بین قانون تجارت و قانون

۱. بندهای الف و ب ماده ۲۳ قانون صدور چک

صدور چک در این زمینه تعارض آشکاری وجود ندارد و نمی‌توان مقررات قانون صدور چک را به منزله اعتبار بخشی تجاری به چک مشروط و تضمینی تلقی کرد، بلکه تکلیف عدم توجه بانک‌ها به قیود و شرایط چک، نشان می‌دهد اوصاف ذاتی چک به عنوان سند تجاری باید فاقد چنین عوارضی باشند و در وهله نخست وجود چنین قیودی فاقد اعتبار است.

دیگر تفاوت مهم بین دو قانون در خصوص چک وعده‌دار است. چک وعده‌دار چکی است که تاریخ واقعی آن مقدم بر تاریخ مندرج بر روی چک است. با توجه به مواد ۳۱۱ و ۳۱۳ قانون تجارت، چک نوشته‌ای است که حاوی دستور پرداخت وجه است و به محض ارائه باید کارسازی شود و فاقد وعده است، ولی ماده ۳ مکرر قانون صدور چک اعلام کرده چک در تاریخ مندرج بر روی چک یا بعد از آن قابل وصول است. به همین سبب برخی بیان کرده‌اند قسمت اخیر ماده ۳۱۱ و ماده ۳۱۳ قانون تجارت از زمان تصویب ماده ۳ مکرر قانون صدور چک به طور ضمنی نسخ شده است (عامری و طالب احمدی، ۱۳۸۲: ۱۴۲). پیش از تصویب ماده ۳ مکرر، بانک مرکزی در سال ۱۳۷۲ طی دستورالعملی به بانک‌ها اعلام کرده بود در صورت ارائه چک وعده‌دار، بانک از تأدیه چک خودداری کرده و گواهی عدم پرداخت صادر کند. این دستورالعمل با توجه به متن ماده ۳۱۳ قانون تجارت از سوی نویسندگان مغایر با قانون تشخیص داده شد (صقری، ۱۳۸۰: ۲/۵۴۲). آثار پذیرش یا عدم پذیرش چک وعده‌دار در تشخیص مبدأ مواعد اقدام دارنده نیز مؤثر است؛ در این زمینه طی چند نشست قضایی این پرسش بررسی شد که آیا در چک وعده‌دار، شروع موعد پانزده روز برای مراجعه به بانک (ماده ۳۱۵ قانون تجارت) از زمان صدور واقعی است یا از تاریخ مندرج بر روی چک؟ هر یک از زمان‌های اعلامی مؤثر در ایجاد مسئولیت ظهرونیسان است. در این زمینه گفته شده است تغییرات قانون صدور چک و پذیرش وعده پرداخت در ماده ۳ مکرر مانع از آن است که همچنان به ظاهر ماده ۳۱۵ قانون تجارت عمل و تاریخ صدور به عنوان مبدأ محاسبه مهلت اعتراض عدم پرداخت شناخته شود (تدین، ۱۴۰۱: ۱۱۵).

محال‌علیه چک نیز یکی از ارکان چک است که در قانون تجارت محدودیتی برای آن وجود ندارد، ولی ماده ۱ قانون صدور چک در تعیین اقسام چک به بانک

بودن محال‌علیه موضوعیت داده است و مواد بعدی قانون نیز با فرض بانک بودن محال‌علیه، مقررات مربوطه را وضع کرده است؛ به همین جهت برخی معتقدند دارندگان اسنادی که دستور پرداخت وجه خطاب به مؤسسات مالی غیر بانک هستند در حدود مقررات مدنی می‌توانند اقامه دعوی کنند (اسکینی، ۱۴۰۰: ۲۵۴). نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۹۵ مورخ ۱۳۹۳/۶/۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه بر اساس همین عقیده اعلام کرده است: حواله‌های صادره از سوی مؤسسات مالی و اعتباری، وصف چک و آثار آن را ندارد؛ بلکه سند ذمه‌ای عادی محسوب می‌شود و مقررات اسناد تجاری از جمله ظهنویسی شامل آن نمی‌گردد. بر همین اساس ظهنویسی و ضمانت در این اسناد تابع قانون تجارت نیست و آن را مطابق با قانون مدنی می‌دانند (بهرامی، ۱۳۹۹: ۳۳۵). ضمانت چنین اسنادی در رویه قضایی متضمن نقل ذمه به ذمه ارزیابی و گفته شده است فقط ضامن مسئول پرداخت حواله به دارنده است؛ مگر این‌که تعهد و ضمیمه شدن ذمه ضامن به ذمه محال‌علیه شرط شود و ظهنویس با صادر کننده مسئولیت تضامنی ندارد (تدین، ۱۴۰۱: ۵۵). در برخی آراء مانند رأی شماره ۹۹۰۹۹۷۴۱۱۳۰۱۰۳۰ مورخ ۱۳۹۹/۸/۱۲ شعبه ۱۳ دادگاه عمومی حقوقی تبریز، به‌رغم این‌که دادگاه سند موجود را دستور پرداخت دانسته و دال بر عقد حواله ندانسته، لیکن بر اساس اوضاع و احوال قضیه و مستند به ماده ۴۰۳ قانون تجارت، مسئولیت تضامنی ظهنویسان با صادر کننده را احراز کرده و جهت احراز مسئولیت تضامنی به مقررات برواتی اشاره‌ای ننموده است.

در مقابل، برخی نویسندگان معتقدند با توجه به اطلاق ماده ۳۱۰ قانون تجارت محال‌علیه چک می‌تواند هر شخص حقیقی یا حقوقی باشد و فقط چک مشمول قانون صدور چک، چکی است که محال‌علیه آن باید بانک باشد (عبدی‌پورفرد، ۱۳۹۸: ۲۱۳). در نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۹۹ مورخ ۱۳۷۵/۷/۱ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز با همین رویکرد اعلام شده است: «چون قانون صدور چک فقط شامل چک‌های صادره بر عهده بانک‌ها می‌شود اوراقی که مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد مستضعفان به شکل چک در اختیار مشتریان می‌گذارد مشمول آن قانون نیست و ممکن است حسب مورد مشمول قانون تجارت یا قانون مدنی باشد». به این ترتیب چکی که محال‌علیه آن بانک نباشد مشمول قانون تجارت است و شرایطی مانند تعقیب کیفری

و لازم‌الاجرائی فقط در مورد چک‌های مشمول قانون صدور چک صدق می‌کند (صقری، ۱۳۸۰/۲: ۴۹۶).

۲-۲. مقررات قانون تجارت در ارتباط با چک ثبت نشده

در شرایط فعلی به مانند دیگر مغایرت‌های قانون تجارت و قانون صدور چک، نسخ یا عدم نسخ ضمنی قانون تجارت از حیث ارکان صدور چک محل بحث است. در نظرات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۱۱۵۶ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ و شماره ۷/۱۴۷۸ مورخ ۱۴۰۱/۳/۲۵ به صراحت اعلام نشده که آیا قانون صدور چک قانون تجارت را نسخ کرده است یا خیر، لیکن نتیجه نظرات یاد شده مفهومی غیر از پذیرش نسخ ضمنی قانون تجارت در شرایط صدور چک را ندارد؛ چنانچه در نظریه ۷/۱۱۵۶ اعلام شده است: «... از آن‌جا که سند مذکور به عنوان سند عادی و غیر تجاری محسوب می‌شود، وجه آن وفق مقررات قانون مدنی قابل مطالبه است و رسیدگی به چنین دعوایی برابر مقررات قانون مدنی با منع قانونی مواجه نیست». در تقویت این نظریه می‌توان به ماده ۲۰ قانون صدور چک^۱ اشاره کرد که در مقام بیان بقای احکام ظهنویسان چک مطابق با قانون تجارت است و لذا می‌توان گفت هر گاه قانون‌گذار در قانون صدور چک قصد ارجاع به قانون تجارت را داشته به این امر تصریح کرده است و در مواردی که چنین تصریحی وجود ندارد، قانون‌گذار به مقررات جدید به شکل احترازی نظر داشته و موارد غیر شامل قانون صدور چک را به طور ضمنی نسخ کرده است.

دیدگاه فوق قابل انتقاد به نظر می‌رسد؛ زیرا چنین دیدگاهی به این مفهوم است که قانون‌گذار تعارض‌گویی‌هایی داشته است؛ حال آن‌که در تعارض بین ادله احکام شرعی خصوصاً زمانی که ادله مزبور آیات یا روایات متواتر باشند، اولویت آن است که به جای تخییر یکی از ادله، با اماراتی ادله تأویل و هر دو حکم حفظ شود؛ بنابراین در چنین حالتی تعارضی وجود ندارد تا بگوییم ادله متعارضی را جمع می‌کنیم (آخوند خراسانی، ۱۳۹۳/۲: ۴۵۴-۴۵۵). عبارات مندرج در تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون صدور چک تنها چک ثبت نشده را از شمول قانون صدور چک خارج نموده است و بیان قانون‌گذار صراحت در موضوع دارد و به مفهوم بقای مقررات قانون تجارت است؛

۱. مسئولیت مدنی پشتنویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است.

چنانچه برخی عنوان اصلاح قانون صدور چک را حاکی از پذیرش مبنا و چهارچوب قوانین قبلی دانسته‌اند (رحمانی و ترابی، ۱۴۰۰: ۹۷). بدیهی است زمانی که چک ثبت نشده از شمول قانون صدور چک خارج می‌شود، دارنده از تمام مزایای قانون یاد شده محروم است؛ از جمله این که بانک‌ها چنین چکی را کارسازی نمی‌کنند یا با فقدان محل، گواهی عدم پرداخت موضوع ماده ۴ قانون صدور چک را صادر نمی‌نمایند، لیکن با وجود ارکان صدور چک قانون تجارت، چنین چکی مشمول آن قانون است و در این صورت چک وعده‌دار یا چک مشروط و مقید مغایر با مواد ۳۱۱ و ۳۱۳ قانون تجارت خواهد بود و از این حیث چک محسوب نخواهد شد؛ زیرا مطابق با مقررات قانون تجارت چک نباید وعده داشته باشد و نباید وصف غیر تنجیزی داشته باشد، بلکه باید دستور پرداخت بدون قید و شرط و بدون وعده باشد و در این صورت آن چک مشمول قانون تجارت خواهد بود. از آن جا که اکثر چک‌های ثبت نشده وعده‌دار می‌باشند، در نتیجه از شمول قانون تجارت نیز خارج خواهند بود و چنین سندی تنها به عنوان سند مدنی قابل ارزیابی است. البته این امکان وجود دارد که در رابطه با چک‌های وعده‌دار، نظریه چک با تاریخ صدور مؤخر را بپذیریم که در این صورت ایراد چک وعده‌دار مرتفع خواهد شد (اسکینی، ۲۳۹۱۴۰۰).

مسأله قابل طرح این است که بانک‌ها نسبت به چکی که ثبت نشده گواهی عدم پرداخت صادر نمی‌کنند که به نظر این اقدام آن‌ها قانونی و مطابق با تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون صدور چک است؛ چون چک ثبت نشده مشمول قانون صدور چک نیست. چگونه می‌توان تصور کرد چکی که صدور و انتقال آن ثبت نشده است از سوی بانک‌ها شناسایی شود؟ بانک‌ها مکلف به رعایت قانون صدور چک می‌باشند و به صراحت مقرر یاد شده، چکی که در سامانه صیاد ثبت نشده باشد مشمول مقررات قانون صدور چک نیست و صدور گواهی نامه عدم پرداخت که جایگاهی غیر از ماده ۴ قانون صدور چک ندارد، شامل چک‌هایی که مشمول قانون صدور چک نباشد نخواهد شد؛ نمی‌توان از یک سو قائل به این شد که چنین چک‌هایی مشمول قانون صدور چک نیستند و از یک سو قائل به اجرای ماده ۴ آن قانون برای

۱. در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد. پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.

۲. وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.

چنین چک‌هایی بود؛ به ویژه آن که پیش‌بینی تشریفات ثبت صدور و انتقال چک در سامانه صیاد با هدف ایجاد نظم در نقل و انتقالات چک‌ها بوده است و از این طریق صحت صدور و انتقال چک قابل رصد است. جایگاه گواهی عدم پرداخت به گونه‌ای نیست که جایگزین منحصر اعتراض‌نامه شده باشد. ماده ۲۹۵ قانون تجارت هیچ سندی را جایگزین اعتراض‌نامه نمی‌داند و این مقرر در ماده ۳۱۴ قانون تجارت به چک تسری داده شده است. به همین جهت تا پیش از صدور رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۰ دیوان عالی کشور، برخی محاکم صرف صدور گواهی عدم پرداخت را برای تجاری تلقی کردن چک کافی نمی‌دانستند و رأی وحدت رویه پیش‌گفته، صدور گواهی عدم پرداخت در مواعد تعیین شده ماده ۳۱۵ را به منزله واخواست اعلام کرد؛ بنابراین با وجود فراگیری استفاده از روش صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت، رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ دیوان عالی کشور دلالت بر این امر دارد که اصل امکان اعتراض که در خصوص برات و سفته مقدور است نسبت به چک نیز ممکن است؛ به ویژه اگر چک مشمول قانون صدور چک نبوده و مشمول قانون تجارت باشد. به این ترتیب باید این مسأله را مطرح کرد که آیا می‌توان چک‌هایی که در سامانه صیاد ثبت نشده است را واخواست نمود و با رعایت مواعد و شرایط، چک موضوع قانون تجارت را از مزایای پیش‌بینی شده برای چک در قانون تجارت بهره‌مند دانست؟ ظاهراً در این زمینه مانعی وجود ندارد، ولی چنین چکی در هر صورت تابع قانون تجارت است و اگر چک مزبور وعده‌دار یا مشروط یا تضمینی باشد از منظر قانون تجارت چک محسوب نمی‌شود. نتیجه قائل شدن به این ظاهر آن است که با واخواست چک، امکان استفاده از مزایای قانون تجارت برای چک ثبت نشده در سامانه صیاد فراهم می‌شود و مسئولیت کلیه امضاء کنندگان چک بر اساس قانون تجارت تعیین می‌شود؛ نتیجه‌ای که از حیث اجرایی مطلوب نیست و موجب می‌شود دو نوع چک داشته باشیم: چک‌های مشمول قانون صدور چک و چک‌های مشمول قانون تجارت. به همین دلیل قانون‌گذار باید در این زمینه ورود کرده و به صراحت اعلام نماید آیا قانون صدور چک مخصص قانون تجارت است یا خیر و نظام یکپارچه‌ای برای چک حاکم نماید.^۱

۱. شاید در رابطه با ماده ۱ قانون صدور چک گفته شود، همان‌گونه که این ماده مقررات قانون صدور

۳. امکان سنجی الزام به ثبت صدور یا انتقال چک در سامانه صیاد

یکی از پرسش‌های اساسی در رابطه با چک‌های ثبت نشده این است که آیا می‌توان صادر کننده را به ثبت چک در سامانه صیاد الزام کرد. در فرض دیگر اگر شخصی چک ثبت شده‌ای را به نحو فیزیکی انتقال دهد ولی ظهرونیسی یعنی انتقال در سامانه صیاد را انجام ندهد، آیا می‌توان چنین شخصی را به ثبت انتقال در سامانه صیاد الزام کرد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، باید چالش‌های موضوع را شناسایی کرد و با رفع آن‌ها به پاسخ لازم رسید. در مطالب پیش رو این چالش‌ها را بررسی می‌کنیم.

۱-۳. نمایندگی ضمنی جهت ثبت صدور یا انتقال

چکی که شرایط لازم را دارد و صرفاً ثبت آن صورت نگرفته یا انتقال آن ثبت نشده است، به محض ثبت صدور یا انتقال در سامانه صیاد شرایط لازم را خواهد داشت و نمی‌توان گفت چون عمل ثبت با صدور فیزیکی یا انتقال فیزیکی هم‌زمان نبوده است اعتباری ندارد. سؤال این است که در اسناد تجاری اگر سندی به شکل ناقص تسلیم شود، آیا دلالت بر وکالت در صدور یا انتقال به نمایندگی دارد. صدور اسناد تجاری امری تشریفاتی است و زمانی سند تجاری صادر می‌شود یا انتقال می‌یابد که شرایط سند تجاری تکمیل شود (کاویانی، ۱۳۹۲: ۵۲)؛ بنابراین اگر یکی از ارکان سند تجاری مانند تاریخ صدور وجود نداشته باشد آن سند تجاری محسوب نمی‌شود و نمی‌توان عقیده به تکمیل آن داشت و اساساً پس از تسلیم سند تجاری به دیگری، گیرنده سند دارنده محسوب می‌شود و نمی‌تواند در عین حال به آنچه دارنده است وکیل در تکمیل هم محسوب شود (اسکینی، ۱۴۰۰: ۵۹).

کنوانسیون‌های ژنو و آنسپترال به تفصیل قواعد صدور سند تجاری به وکالت را پیش‌بینی کرده است. هر چند ایران عضو هیچ یک از این کنوانسیون‌ها نشده، لیکن در قالب ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و به عنوان اصول حقوقی می‌توان به آن استناد کرد. با توجه به ماده ۲۲۷ قانون تجارت که صدور برات به نمایندگی را پذیرفته است و این که عدم درج

چک را محدود به چک‌های صادره عهده بانک‌ها نموده، قصد داشته است مقررات ناظر به چنین چک‌هایی را محدود کند و از مقررات مغایر احتراز داشته است، لیکن این استنباط یعنی احترازی بودن مقررات مغایر از تقسیم‌بندی چک‌ها برداشت نمی‌شود.

تمام مندرجات شکلی اسناد تجاری، ظهور در وکالت دارنده بلافصل دارد و مفاد مواد ۱۹ و تبصره ۲ ماده ۵ مکرر قانون صدور چک که از مصادیق صدور چک به نمایندگی است، امکان تکمیل چک به نمایندگی وجود دارد (عالی پناه و جوادیه، ۱۳۹۸: ۵۵۵ و ۵۵۷؛ نیک فرجام، ۱۳۹۲: ۱۹۹-۲۰۰). با توجه به این که تشریفات تکمیل سند تجاری ناقص با نظریه نمایندگی ظاهری امکان پذیر به نظر می رسد، این سؤال به ذهن مبتادر می شود که آیا می توان چک ثبت نشده را با تلقی تسلیم سند تجاری ناقص و نمایندگی ظاهری تکمیل کرد. در این زمینه باید نحوه رعایت تشریفات قانونی ثبت چک در مرحله صدور و انتقال را لحاظ کنیم که نوع اجرای ثبت موضوعیت دارد و بر خلاف چک کاغذی، سامانه صیاد در اختیار دارنده چک قرار نمی گیرد تا امکان ثبت صدور یا انتقال به نمایندگی ممکن باشد. البته کارکنان بانک ها به سامانه دسترسی دارند و امکان ثبت صدور و انتقال چک را دارند، ولی ایشان نیز به لحاظ نداشتن نمایندگی و اختیار قانونی نباید چنین اقدام کنند.

۳-۲. وجود تعهد به ثبت صدور یا انتقال چک

یکی از دعاوی مطرح و مرتبط با اصلاحات قانون صدور چک، الزام به ثبت صدور یا انتقال چک در سامانه صیاد است. از اداره حقوقی قوه قضاییه امکان صدور حکم به الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد سؤال شده که در پاسخ آمده است: «دارنده نمی تواند دعوای الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد را اقامه کند؛ زیرا اولاً، مستفاد از تبصره اصلاحی ماده ۲۱ مکرر (۱۴۰۰/۱/۲۹) قانون صدور چک، ثبت در سامانه صیاد از شرایط صدور چک است و لذا اگر در زمان صدور چک، در این سامانه ثبت نشده باشد، چک یادشده از شمول قانون صدور چک خارج است؛ ثانیاً، برابر تبصره اصلاحی یادشده، قید عبارت «صدور و پشت نویسی چک بدون درج در سامانه صیاد فاقد اعتبار است» در متن چک الزامی است و دارنده ای که به رغم قید این عبارت در چک و بدون رعایت این ترتیبات چک را پذیرفته است، عملاً خود را از مزایای قانونی محروم کرده است و لذا دعوای وی دایر بر الزام صادرکننده به ثبت چک در سامانه صیاد مسموع نیست». این نظریه واجد ایراد است؛ زیرا در شرایط واقعی اشخاصی که چک را به نحو ثبت نشده دریافت می کنند معمولاً با وعده صادر کننده و انتقال دهنده چک برای ثبت صدور یا انتقال در سامانه صیاد،

چک را دریافت کرده و قصد نادیده گرفتن ثبت چک در سامانه صیاد را نداشته‌اند. شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی یزد در دادنامه شماره ۱۴۰۱/۲/۳۱ مورخ ۱۴۰۱/۲/۳۱ در رابطه با خواسته الزام به ثبت چک، حکم به بطلان دعوا صادر و چنین استدلال کرده است: «چک وسیله پرداخت است و در الزامات قراردادی باید یک تعهد معتبر وجود داشته باشد تا متعاقب آن و تخلف متعهد از انجام تعهد قراردادی و در راستای اعمال ماده ۲۳۷ قانون مدنی بخواهیم خواننده را ملزم به انجام تعهد بنماییم که در ما نحن فیه خواننده مختار است وسیله پرداخت را چک، سفته، حواله و ... در نظر بگیرد و اگر خواهان مطالبه‌ای دارد می‌تواند از طریق طرح دعوی پیگیری نماید؛ لذا در راستای وصول بدهی الزامی به صدور سند تجاری وجود ندارد ... نهایتاً نمی‌توان اراده افراد را محدود کرد و از باب قانونی الزام و تکلیف به ثبت در سامانه نمود ...».

چند بحث حائز اهمیت در این زمینه وجود دارد که باید لحاظ شود: آیا تسلیم کننده چک ثبت نشده، تعهد ثبت صدور یا انتقال چک را بر عهده گرفته است؟ به نظر می‌رسد صرف الزام قانونی ثبت صدور یا انتقال چک در سامانه صیاد به منزله ایجاد تعهدی در رابطه خصوصی بین دارنده و صادرکننده چک برای ثبت چک در سامانه صیاد نیست؛ چه آن‌که ممکن است طرفین توافق کنند صدور یا انتقال چک در سامانه ثبت نشود. رأی شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی یزد به نوعی به این مسأله اشاره کرده است. حال اگر تسلیم کننده چک ثبت نشده در زمان تحویل چک اعلام کند که صدور یا انتقال چک را ثبت خواهیم کرد و خواهان با ادله‌ای از جمله شهادت شهود وجود این تعهد را اثبات نماید، وضعیت چگونه خواهد بود؟ در این حالت منشأ تعهد قانون نیست، بلکه ارادی است. در این شرایط باید الزام‌پذیر بودن یا نبودن اجرای تعهد بررسی شود و دو مسأله تبیین شود: آیا ثبت چک در سامانه صیاد به عنوان عمل حقوقی است و تعهد به انجام عمل حقوقی الزام‌پذیر است؟ با توجه به شرایط شکلی اسناد، آیا می‌توان تعهد به تکمیل اسناد را با لحاظ تشریفاتی بودن صدور و انتقال اسناد پذیرفت؟ مثلاً اگر شخصی سفته‌ای متعلق به ثالث را به دیگری از طریق پست ارسال کند و ضمن ارسال آن در نامه متذکر شود که به محض حضور در محل دفتر کار گیرنده نامه، سفته را ظهنویسی خواهد کرد، آیا الزام ارسال کننده سفته به

ظهنروسی امکان‌پذیر است؟

به نظر می‌رسد همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد ثبت صدور و انتقال چک در سامانه صیاد بخشی از تشریفات عمل حقوقی صدور یا انتقال چک است که قانون‌گذار به آن موضوعیت داده است. تحقق عمل حقوقی به عنوان امور اعتباری نیازمند یک اراده معتبر برای ایجاد ماهیت اعتباری است. در رویه قضایی احکامی در خصوص الزام به تنظیم سند رسمی مال موضوع یکی از عقود معین یا نامعین و حتی الزام به اعطای وکالت وجود دارد و در صورت استنکاف محکوم‌علیه، نماینده دادگاه اسناد مزبور را امضاء می‌کند (شمس، ۱۳۹۸/۲: ۷۷۲؛ شفیع، ۱۴۰۱: ۱۴۷ و ۱۵۰). این رویه نشان دهنده این موضوع است که قاعده «الحاکم ولی الممتنع» ناظر به امتناع از ایجاد عمل حقوقی هم می‌باشد؛ الزام زوج به طلاق همسر در صورت عدم پرداخت نفقه در نظرات فقها جاری است و چنانچه زوج استنکاف کند، حاکم به نمایندگی از زوج اقدام می‌نماید (نقیبی، ۱۳۹۳: ۱۸۱-۱۸۲). به نظر می‌رسد این رویکرد رویه قضایی با قانون مطابق است؛ چنانچه ماده ۲۰۷ قانون مدنی انشاء معامله به حکم مقامات صالحه را پذیرفته است و این رویکرد قانون نشان می‌دهد قاعده «الحاکم ولی الممتنع» منحصر به تعهد اجرای امور مادی نیست و ناظر به تعهد فعل حقوقی هم می‌شود به همین سبب اگر ثبت صدور و انتقال چک را از جنس اعمال حقوقی بدانیم نه اعمال مادی، الزام نمودن شخص متعهد به ثبت صدور یا انتقال چک در سامانه صیاد از این حیث مانع قانونی ندارد.

با وجود شرایط فوق، صدور و انتقال اسناد تجاری شرایط خاصی دارد که لحاظ این شرایط ضروری است. به عبارت دیگر در اسناد تجاری رعایت تشریفات شکلی باعث اعتبار آن اسناد می‌شود. در این حالت می‌توان این سؤال را مطرح کرد که اگر شخصی ضمن قرارداد برای بخشی از ثمن متعهد به صدور و تسلیم سند تجاری معینی با شرایط معین شود، آیا می‌توان وی را ملزم به صدور سند کرد و اگر وی از حکم تمکین ننماید، آیا حاکم می‌تواند به نیابت از وی سند را صادر کند؟ به نظر می‌رسد اصلی‌ترین مبنای قواعد اسناد تجاری، شکل‌گرایی به معنای اصالت شکل معین و واجد ضمانت اجرا است. همان‌گونه که صادر کننده و ظهنرویس در عمل صدور و ظهنروسی محدود به شرایط شکلی معین هستند دادرسی نیز در تفسیر

مقررات اسناد تجاری محدود به اشکال معین پیش‌بینی شده است. در حقیقت مقصود قانون‌گذار این بوده که اسناد تجاری به عنوان ابزار جایگزین پول واجد ویژگی‌های امنیت و سرعت باشد و این موضوع از رهگذر شکل‌گرایی در سند تجاری حاصل می‌شود (رمضانی آکردي و موسوی، ۱۴۰۰: ۱۱۰-۱۱۱). با توجه به اهمیت شکل‌گرایی در سند تجاری و تشریفات مربوط، زمانی که از دید یک مقرر قانونی (قانون‌صدر چک) با عدم ثبت صدور یا انتقال چک در سامانه صا، شاکله مورد نظر مقنن برای ورود سند به عالم اسناد تجاری تحقق نیافته است، الزام به ثبت قابلیت تصور و تحلیل منطقی نخواهد داشت.

در مقابل و در دفاع از حقوق دارنده چک ثبت نشده‌ای که به امید انجام تعهد از سوی صادرکننده یا انتقال‌دهنده چک ثبت نشده را دریافت کرده است می‌توان گفت تکمیل ارکان سند تجاری موجب تحقق شکل مورد نظر مقنن با توجه به اقتضائات امر تجارت می‌باشد و ثبت چک در سامانه صیاد از نتایج همان تعهد براتی است که با قبض و اقباض سند به نحو ارادی کامل شده و گردش یافته است و الزام شخص منتقل‌کننده با ایرادی مواجه نیست. وانگهی تشریفات ثبت صدور و انتقال چک قابل مقایسه با اصل امضا چک نیست و به عنوان تشریفات تکمیل‌کننده چک برای شمول قانون صدور چک و امتیازات آن قانون است. با پذیرش این دیدگاه، دادگاه با توجه به شرایط مندرج در چک الزام صادرکننده یا انتقال‌دهنده را به صدور یا انتقال چک حکم می‌دهد؛ چرا که اطلاعات مندرج بر روی چک نمی‌تواند مغایر با اطلاعات ثبت شده باشد. با این ترتیب در ضمانت اجرای کیفری چکی که با حکم دادگاه ثبت شده است شرایط وجود یا فقدان وصف کیفری چک صرف نظر از وضعیت ثبت چک در سامانه صیاد ارزیابی می‌شود؛ یعنی شرایط فیزیکی صدور چک معیار خواهد بود. در برآیند نظریات اعلامی، به نظر می‌رسد نظم حاکم بر اسناد تجاری و تشریفات بودن عملیات صدور و انتقال چک باعث می‌شود دخالت محاکم در تکمیل شرایط چک محدود باشد. اعتبار چک مانند دیگر اسناد برواتی قائم به شرایط شکلی و تشریفات پیش‌بینی شده در قانون است؛ چنانچه شکل صدور یا انتقال در اسناد تجاری شرایط ویژه‌ای دارد و اگر قانون امضاء را موجب ظهورنویسی انتقال چک بداند، نمی‌توان این شرایط را به نحو دیگری تأمین کرد. قانون در مقام بیان برای

حالت فقدان ثبت در سامانه، تنها آن را از شمول قانون صدور چک خارج کرده است و نمی‌توان بر خلاف اراده قانون چنین شرایطی را از طریق قضایی ایجاد و انضباطی که قانون در نظر داشته است را متزلزل کرد؛ چنانچه اگر نظر مخالف پذیرفته شود، ناهم‌گونی عجیبی نیز در نتیجه ایجاد خواهد شد و حکم الزام دادگاه در خصوص ثبت عملیات صدور یا انتقال چک باعث می‌شود حکم با تاخیر اجرا شود و چکی با تاریخ مقدم، شرایط قانون صدور چک را پیدا کند و با تاخیر منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت شود. مثلاً اگر چکی برای تاریخ دوم اردیبهشت به نحو فیزیکی صادر و تسلیم شود و در سامانه صیاد ثبت نشود، حکم احتمالی الزام به ثبت ممکن است با فاصله زمانی بیش از یک سال از تاریخ صدور، صادر و قطعی شود و پس از اجرای حکم احتمالی، چک منتهی به گواهی عدم پرداخت گردد؛ در حالی که قانون با دیدگاهی که نسبت به تشریفات اسناد تجاری داشته است، برای اجرای تکالیف دارنده و امکان طرح دعوی و استفاده از مزایای اسناد تجاری از مبدأ سررسید چک یا وخواست آن، مواعد خاصی را پیش‌بینی کرده است.

۴. مسئولیت امضاء کنندگان چک ثبت نشده

امکان دارد شخص صادر کننده، چک را ثبت نکند و دارنده با ظهنروسی فیزیکی اقدام به انتقال چک نماید یا شخصی با امضای ظهر چک، از ظهنرویس یا صادرکننده چک ثبت نشده ضمانت نماید؛ در این حالت کدام یک از اشخاص مسؤول پرداخت محسوب می‌شود؟ شرایط دشوارتری نیز قابل تصور است؛ زمانی که چک در زمان صدور و انتقال توسط ایادی قبلی ثبت شده، ولی آخرین انتقال دهنده، انتقال چک به دارنده را ثبت نکند. پاسخ به این ابهامات بیش و پیش از هر چیزی بستگی به مبنای مورد پذیرش نسبت به جایگاه ثبت صدور یا انتقال چک دارد؛ اگر دیدگاه چنین باشد که عدم ثبت صدور و انتقال چک، آن را به یک سند مدنی تبدیل می‌کند، قواعد حقوق مدنی باید بررسی شود. شعبه ۳۷ دادگاه عمومی حقوقی تبریز در دادنامه شماره ۱۴۰۰۳۰۳۹۰۰۰۸۳۶۰۰۰۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ در خصوص قضیه‌ای که صادرکننده، چک را ثبت کرده ولی انتقال دهنده چک را ثبت نکرده بود و خواهان به عنوان دارنده نهایی علیه صادر کننده دعوای مطالبه وجه طرح کرده بود، به جهت عدم توجه دعوی به صادرکننده چک، نسبت به وی قرار رد دعوی صادر و چنین

استدلال کرد: «وظیفه ثبت چک در سامانه صیاد حسب مورد بر عهده صادر کننده (در مقام صدور) و یا دارنده (در مقام انتقال) می‌باشد. در مانحن فیه انتقال چک به خواهان توسط صادرکننده (خوانده) نبوده است و ید انتقال دهنده به ایشان، شخصی به هویت ن.ج. می‌باشد؛ لذا تکلیفی در خصوص ثبت انتقال چک متوجه صادر کننده نیست و مطالبه صورت گرفته را نمی‌توان بر اساس مسئولیت‌های خارج از قرارداد توصیف نمود؛ دوم: بدون ثبت انتقال در سامانه صیاد انتقال سند تجاری تحقق نیافته و به هیچ عنوان تعهد برواتی بر مبنای آن ایجاد نمی‌گردد، لذا صادر کننده (خوانده) فاقد تعهد برواتی در قبال دارنده فعلی (خواهان) می‌باشد؛ سوم، میان صادر کننده چک (خوانده) و دارنده فعلی (خواهان) هیچ رابطه قراردادی پایه‌ای وجود ندارد که دارنده بر مبنای آن اقدام به طرح دعوی مدنی و مطالبه وجه از این منظر نماید». در دادنامه شماره ۱۳۸۲۴۸۸/۱۳۹۰۰۳۳۰۴۰ مورخ ۱۴۰۲/۲/۲۴ شعبه ۴۲ دادگاه عمومی حقوقی تبریز، دادگاه با استدلال‌های مشابه، دعوی خواهان به طرفیت صادرکننده را به سبب عدم توجه نپذیرفته است و به جهت وجود رابطه بلافصل بین انتقال دهنده و دارنده چک و وجود تعهد پایه‌ای، انتقال دهنده را به پرداخت وجه چک محکوم نموده است. نظرات ابرازی توسط قضات با نظرات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه که پیش‌تر بیان شد مطابقت دارد. یکی از مباحث قابل توجه در این شرایط، انتقال یا عدم انتقال طلب است؛ برخی در فرض اخیر معتقدند انتقال چک تابع قواعد حاکم بر انتقال طلب است که به موجب آن دارنده تنها حق رجوع به صادرکننده (مدیون اصلی) را دارد و نه به اشخاصی که به ترتیب چک به آن‌ها منتقل شده و آن را انتقال داده‌اند (اسکینی، ۱۴۰۰: ۲۸۴).

در آراء پیش‌گفته، زمانی که صادرکننده چک را به فردی انتقال می‌دهد و انتقال‌گیرنده چک را بدون ثبت انتقال به دارنده نهایی ارائه می‌دهد، تبدیل تعهد و انتقال طلب پذیرفته نشده است. در تأیید این دیدگاه می‌توان گفت تبدیل تعهد نیاز به توافق طرفین دارد یعنی طرفین مربوط به رابطه قراردادی پایه، خواسته باشند تعهد سابق را اسقاط و تعهد جدیدی به اعتبار تغییر متعهد ایجاد نمایند. در صورت تردید، اصل عدم وقوع تبدیل تعهد است (عدل، ۱۳۸۹: ۱۶۹)؛ هر چند از منظر حقوق دانان، تعهد به عنوان مالی با ارزش قابل داد و ستد است و نباید اثر آن به رابطه طلبکار و

بدهکار محدود باشد و طلب به عنوان حقوق مالی، صرف نظر از قالب‌های ماده ۲۹۲ قانون مدنی قابل^۱ انتقال است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵۲ و ۲۸۹)، لیکن در حالت انتقال طلب نیز طرفین باید انتقال طلب را قصد کرده باشند؛ به همین جهت در تعهدات پولی چنانچه چک تسلیم متعهدله شود، صرف پذیرش چک به مفهوم تبدیل تعهد تلقی نشده؛ زیرا چک وسیله پرداخت دین است و متعهدله چنانچه از طریق چک طلب خود را وصول نماید می‌تواند از طریق تعهد پایه مطالبات خود را پیگیری کند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۵۴). به نظر می‌رسد نتیجه آراء این محاکم صحیح است؛ زیرا چک به عنوان یک وسیله پرداخت شناخته می‌شود و زمانی که این وسیله پرداخت واجد شرایط لازم برای ایفای تعهد نباشد، ابزار پرداخت و ایفای تعهد نخواهد بود، ولی کارکرد دیگری برای چنین چکی قابل تصور است؛ چنین سندی به جای این که وسیله پرداخت باشد، به عنوان دلیل وجود مدیونیت انتقال دهنده خواهد بود. به عبارت دیگر وجود چک در اختیار دارنده نهایی، دلیلی است بر وجود روابط مالی بین شخص انتقال دهنده چک و دارنده نهایی.

در مقابل دیدگاه فوق، در برخی آرای صادره، ثبت صدور و انتقال چک شرط شمول چک نسبت به مقررات قانون صدور چک تلقی شده و چک ثبت نشده‌ای که منتهی به صدور گواهی عدم پرداخت نشده است را به مثابه سفته وخواست نشده دانسته و ضامن و صادرکننده چک را مطابق با رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به طور تضامنی و به استناد ماده ۲۴۹ قانون تجارت به پرداخت مبلغ چک و خسارت تأخیر تأدیه محکوم نموده است. اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۲۶۱ مورخ ۱۴۰۲/۶/۴ مؤید این دیدگاه است: «قانون اصلاح قانون صدور چک در مقام تغییر اساسی در مقررات قانون تجارت و اصول حاکم بر اسناد تجاری نمی‌باشد و صرفاً شیوه انتقال چک را جایگزین شیوه انتقال در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نموده است. به موجب تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون یاد شده، ثبت انتقال در سامانه صیاد جایگزین پشت‌نویسی

۱. از مهم‌ترین آثار تبدیل تعهد اسقاط تعهد سابق و ایجاد تعهد جدید است و تضمینات تعهد قبلی نیز ساقط می‌شود، ولی در انتقال طلب چنین حالتی یعنی اسقاط تعهد قبلی و ایجاد تعهد جدید و از بین رفتن تضمینات دین سابق به مانند حالت تبدیل تعهد نیست که طرفین آن را قصد نمایند.
۲. رای شماره ۱۴۰۲۳۰۳۹۰۰۳۶۰۴۲۲۹ مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۷ شعبه ۴۳ دادگاه عمومی حقوقی تبریز.

چک خواهد شد. بر این اساس، صرفاً پشت‌نویسی که به طریق مقرر در این قانون انجام شود، معتبر است و صادرکننده و ظهرنویسان که نام آنان به عنوان صادرکننده و ظهرنویس در سامانه صیاد ثبت شده است، وفق ماده ۲۴۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ در برابر دارنده مسئولیت تضامنی دارند.

در جمع بندی مطالب اعلام شده باید گفت چکی که در سامانه ثبت نشده و منتهی به گواهی عدم پرداخت یا وخواست نشده است را نمی‌توان واجد تعهد برواتی دانست. اگر سند تجاری شرایط لازم را نداشته باشد، تعهدات برواتی منتفی است؛ هر چند از حیث قواعد مسئولیت مدنی یا مسئولیت قراردادی مسئولیت امضاء کنندگان اسناد قابل بررسی است. مثلاً ضامنی که با امضای ظهر چک از صادر کننده ضمانت نموده است بر اساس ماده ۲۴۹ قانون تجارت یا رای وحدت رویه شماره ۵۹۷ مسؤل نیست و با شرایط قراردادی حاکم و توافق موجود که با ماده ۴۰۳ قانون تجارت تناسب دارد، مسئولیت تضامنی دارد.

چکی که در سامانه صیاد ثبت نشده، مشمول هیچ یک از مقررات قانون صدور چک نخواهد بود. در دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۰۳۹۰۰۵۷۴۴۹۵۶ مورخ ۱۴۰۲/۶/۲۸ شعبه ۴۴ دادگاه عمومی حقوقی تبریز چکی که به این نحو از سوی مدیرعامل شرکت صادر شده و ثبت نگردیده مشمول ماده ۱۹ قانون صدور چک تلقی نشده است و در استدلال دادنامه چنین آمده است: «مسئولیت تضامنی خلاف اصل و نیازمند حکم خاص است و نمی‌توان قائل به نظریه نمایندگی افشا نشده در ایجاد تعهدات بود؛ لذا دعوی صرفاً نسبت به شرکت مربوطه که دارای رابطه حقوقی با خواهان دعوی است وارد می‌باشد».

۵. تعارض بین مندرجات روی چک و مندرجات ثبت شده در سامانه صیاد

از موارد دیگری که قانون‌گذار مشکلات آن را پیش‌بینی نکرده و تغییرات جدید قانون صدور چک، مخاطب را با چالش مواجه می‌نماید، وضعیتی است که بین اطلاعات مندرج بر روی چک و اطلاعات ثبت شده در سامانه صیاد مغایرت وجود دارد. در این حالت چک در سامانه ثبت شده است، ولی اطلاعات آن مغایر با چک است و این‌که چنین چکی مشمول قانون صدور چک می‌شود یا خیر؛ و کدام یک از اطلاعات مغایر مطمح نظر محاکم قرار می‌گیرد، ابهام قابل توجهی است و شایسته بود

قانون‌گذار به مانند ماده ۲۲۵ قانون تجارت که تعارض مندرجات حروفی و عددی اسناد تجاری است، حکم قضیه را بیان می‌نمود.

در دادنامه شماره ۱۴۰۲۰۱۳۹۰۰۰۲۸۸۰۹۰۷ مورخ ۱۴۰۲/۵/۱۳ شعبه سوم دادگاه عمومی بخش طالقان، دارنده چک به بانک مراجعه نموده و بانک با توجه به مندرجات در سامانه صیاد و بدون توجه به مغایرت تاریخ ثبت شده در سامانه با تاریخ روی چک، گواهی‌نامه عدم پرداخت صادر کرده است، دادگاه چک مزبور را مشمول قانون صدور چک دانسته و به همین سبب خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ سررسید و به استناد رای وحدت رویه ۸۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱ دیوان عالی کشور، مورد حکم قرار داده و در تشخیص تاریخ سررسید چک، تاریخ مندرج در سامانه را معتبر اعلام کرده و چنین استدلال نموده است: «در زمان صدور چک و ثبت اطلاعات آن در سامانه، تاریخ ۱۴۰۱/۵/۳۱ به عنوان تاریخ سررسید قید شده و این تاریخ در زمان ثبت چک، مورد اعتراض دارنده (خواهان) واقع نگردیده است؛ بنابراین ثبت تاریخ ۱۴۰۲/۵/۳۱ در سامانه به منزله توافق مؤخر و نهایی صادرکننده و دارنده در خصوص تاریخ سررسید چک بوده ...». در مقابل این استدلال می‌توان گفت تأیید و دریافت چک در سامانه صیاد به این مفهوم نیست که عملی دو طرفه نسبت به چک در سامانه صیاد انجام شده و به عنوان توافق مؤخر قابل استناد است؛ چنانچه در بخشنامه‌های بانک مرکزی از جمله بخشنامه «الزامات و تکالیف ناظر بر قانون جدید صدور چک» به این مرحله اشاره‌ای نشده است و قانون صدور چک نیز صرفاً عمل ثبت صدور و انتقال چک را پیش‌بینی کرده است و عمل دریافت و تأیید که توسط دارنده در سامانه صیاد رخ می‌دهد متناظر با تسلیم فیزیکی چک در عالم واقع و به مفهوم تأیید تسلیم چک است. حکم تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر در خصوص تشخیص مندرجات چک بر اساس اطلاعات ثبت شده، ناظر به تکالیف بانک‌ها می‌باشد؛ وانگهی تکلیف ثبت چک در سامانه صیاد به مفهوم ثبت اطلاعات مندرجات در چک در سامانه است و اطلاعات مغایر با مندرجات فیزیکی چک قابل ترتیب اثر نیست. به عبارت دیگر فرض قانون چنین است که اطلاعات روی چک در سامانه ثبت شده است نه اطلاعات مغایر. در دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۰۳۹۰۰۰۵۷۸۴۷۸۱ مورخ ۱۴۰۲/۶/۲۹ شعبه ۴۳ دادگاه عمومی حقوقی تبریز با این استدلال، تاریخ مندرج بر روی چک معتبر تلقی شده است. با

توجه به فقدان مقرر قانونی در قانون صدور چک، مناسب است که بانک مرکزی در خصوص مواجهه بانک‌ها با چنین چک‌هایی، بخشنامه‌های روشنی صادر کند تا حداقل بانک‌ها در خصوص صدور یا عدم صدور گواهی‌نامه عدم پرداخت تفاوت رویه‌ای نداشته باشند.^۱

۶. ضمانت اجرای کیفری چک‌های ثبت نشده

برخی بر این عقیده‌اند که چون در ماده ۳ قانون صدور چک (اصلاحی سال ۱۳۸۲) کلمات «از قبیل» و «امثال آن» استفاده شده، صدور چک پرداخت نشدنی با هر شرایطی جرم‌انگاری شده و رکن مادی این جرم می‌تواند شامل چک امضاء نشده هم باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۳۶۰) در مقابل گفته شده است که با توجه به مندرجات صدر ماده ۷ قانون صدور چک، تنها صدور چک بلامحل دارای مجازات است و اساساً چک‌هایی که به دلیل عدم صدور صحیح وصول نمی‌شوند فاقد مجازات قانونی می‌باشند (عابدی، ۱۴۰۱: ۲۸). اداره کل حقوقی قوه قضاییه طبق نظریه مشورتی ۷/۸۵۷ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۸، صدور چک ثبت نشده را فاقد ضمانت اجرای کیفری دانسته است و همین دیدگاه در برخی موارد تأیید و مورد انتقاد واقع شده است (دشتبانی روزبهرانی و اصغری، ۱۴۰۰: ۸۳). به نظر می‌رسد با صراحت تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک و اعلام این موضوع که چک ثبت نشده از شمول قانون صدور چک خارج است، نمی‌توان مقررات کیفری صدور چک بلامحل را نسبت به چنین چک‌هایی تصور کرد؛ صرف نظر از این که ممکن است در شرایطی این چک وسیله ارتکاب جرم دیگری باشد.

۱. دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۵۴ بر مبنای ماده ۱۰ قانون پول و بانکی کشور، بانک مرکزی را مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری دانسته و بخشنامه شماره ۴۸۵/۵/۲۲/۱۰۰۰/۲۲ در خصوص لزوم درج کد رهگیری بر روی گواهی‌نامه عدم پرداخت چک‌های قدیمی را ابطال نکرده است.

برآمد

۱- به دلیل کاربرد وسیع چک در جامعه و مشکلات اقتصادی و اجتماعی این وسیله پرداخت، قانون‌گذار توجه خاصی به اصلاح رویه موجود جهت رفع مشکلات یاد شده داشته است و از این رو تغییرات و اصلاحات قانون صدور چک در فواصل زمانی اندکی صورت گرفته است. برخی از این تغییرات با بررسی آثار عملی آن‌ها رخ نداده و مشکلات عدیده‌ای به وجود آورده است.

۲- در اصلاحات اخیر قانون صدور چک، ثبت صدور و انتقال چک در سامانه صیاد الزامی شده است، ولی جایگاه این الزام قانونی پیش‌بینی نگردیده است. عدم تبیین جایگاه این الزام قانونی، در تعیین ضمانت اجرای عدم ثبت در سامانه صیاد و مسؤولان سند یاد شده مؤثر است. رویه قضایی در مواجهه با چالش‌های مرتبط رویه واحدی ندارد و حل این معضل مستلزم ورود قانون‌گذار یا دیوان عالی کشور برای رفع اختلافات حاضر است.

۳- مطابق با عبارات تبصره ۱ ماده ۲۱ مکرر قانون صدور چک و نظر به طرح اولیه مجلس برای اصلاح قانون صدور چک، به نظر می‌رسد الزام ثبت و انتقال چک در سامانه صیاد از ارکان صدور و انتقال چک نیست، بلکه شرط شمول چک نسبت به قانون صدور چک است و با عدم ثبت چک و وجود ارکان چک موضوع قانون تجارت، چک مشمول مقررات قانون تجارت است؛ از این رو وعده‌دار نبودن، مشروط و مقید نبودن چک هم از شرایط اساسی شمول چک نسبت به قانون تجارت خواهد بود. مسؤولان چک نیز بر اساس ضوابط قانون تجارت تعیین خواهد شد و اگر چک از شمول قانون تجارت و قانون صدور چک خارج باشد، صدور و انتقال آن از حیث مقررات مدنی قابل بررسی است و چون چک وسیله پرداخت است، صدور و انتقال آن لزوماً به منزله تبدیل تعهد یا حتی انتقال طلب نیست و تعهد پایه فیما بین طرفین همچنان منشأ تعهد خواهد بود. به عنوان مثال، اگر شخصی چک ثبت نشده وعده‌داری را در قبال خرید کالا به دیگری انتقال دهد و ظهرنویسی کند، مسؤولیت تضامنی صادرکننده و انتقال دهنده منتفی است؛ زیرا چک مشمول قانون صدور چک و قانون تجارت نیست و چنین چکی، سند مدنی محسوب می‌شود و با تحلیل قصد طرفین اگر انتقال طلب رخ داده باشد دارنده تنها حق مراجعه به صادر کننده را دارد

و در غیر این صورت، حق مراجعه به انتقال دهنده را خواهد داشت.

۴- تعارض در مندرجات چک و مندرجات سامانه صیاد جنبه دیگری است که قانون‌گذار از تعیین وضعیت آن غافل بوده و در شرایط حاضر و به این جهت که ثبت اطلاعات در سامانه از حیث اولویت جایگاه نظارتی و بانکی دارد، لذا اطلاعات مندرج بر روی چک در قیاس با اطلاعات مندرج در سامانه اعتبار دارد.

۵- چک ثبت نشده مشمول چک پرداخت نشدنی دارای ضمانت اجرای بخش اخیر ماده ۳ قانون صدور چک نیست؛ زیرا به طور کلی از شمول قانون صدور چک خارج است.



فهرست منابع

- * اسکینی، ربیعا (۱۴۰۰)، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، چاپ سیام، تهران: سمت.
- * اسکینی، ربیعا و یمرلی، صالح (۱۴۰۰)، «نوآوری‌های قانون اصلاح صدور چک مصوب ۱۳۹۷، گامی به پس یا گامی به پیش؟»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۶.
- * اکبری دهنو، میثم و اسکینی، ربیعا و حاجیان، هانی (۱۴۰۱)، «تحلیل حقوقی ماده ۲۳ قانون اصلاحی قانون صدور چک»، مطالعات تطبیقی حقوق معاصر، دوره ۱۳، شماره ۲۶.
- * امام‌وردی، محمدحسن (۱۳۹۴)، «ماهیت‌شناسی مدنی صدور چک عادی در حقوق ایران»، آموزه‌های فقه مدنی، دوره ۷، شماره ۱۲.
- * آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۳۹۳)، کفایه الاصول، جلد دوم، چاپ نخست، قم: دارالفکر.
- * بهرامی، بهرام (۱۳۹۹)، حقوق تجارت کاربردی، چاپ ششم، تهران: نگاه بینه.
- * تدین، علی‌اصغر (۱۴۰۱)، دعاوی اسناد تجاری، چاپ دوم، تهران: اداره کل آموزش قوه قضاییه.
- * دشتبانی روزبهرانی، محمد و اصغری، عبدالرضا (۱۴۰۰)، «پیشگیری از جرائم مرتبط با چک در قانون اصلاحی ۱۳۹۷»، آموزه‌های فقه مدنی، دوره ۱۸، شماره ۲۱.
- * دمرچیلی، محمد و حاتمی، علی و قرائی، محسن (۱۳۸۴)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ پنجم، تهران: میثاق عدالت.
- * رحمانی، حسین و ترابی، ناصر (۱۴۰۰)، «واکای نوآوری‌های جدید قانون صدور چک، چالش‌ها و آثار آن»، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، دوره ۳، شماره ۳۲.
- * رضانی آکردی، حبیب و موسوی سید امیر حسام (۱۴۰۰)، «نقش تقنینی و تفسیری شکل‌گرایی در اسناد تجاری»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۳، شماره ۴.
- * ساردوئی نسب، محمد و طاهری، احد (۱۳۹۲)، چک الکترونیکی، حقوق خصوصی، دوم ۱۰، شماره ۱.

- * شفیعی، حسین (۱۴۰۱)، اجرای احکام مدنی، چاپ ششم، قم: حقوق پویا.
- * شمس، عبدالله (۱۳۹۸)، اجرای احکام مدنی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: دراک.
- * صقری، محمد (۱۳۸۰)، حقوق بازرگانی اسناد، جلد دوم، چاپ نخست، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- * عابدی، احمدرضا (۱۴۰۱)، نگرشی کاربردی به چک، چاپ پنجم، تهران: اداره کل آموزش قوه قضاییه.
- * عالی‌پناه، علیرضا و جوادی، علی (۱۳۹۸)، «اثر نظریه نمایندگی در صدور سند تجارتي بر تعیین تاریخ چک و لوازم آن با نگاهی به کنوانسیون ژنو در باره چک»، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۲.
- * عامری، پرویز و طالب‌احمدی، حبیب (۱۳۸۲)، «مسئولیت ظهن‌نویس در چک وعده‌دار»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۴.
- * عبدی پورفرد، ابراهیم (۱۳۹۸)، حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ ششم، تهران: مجد.
- * عبدی پورفرد، ابراهیم (۱۴۰۱)، «چالش‌های حقوقی قانون صدور چک»، حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۲.
- * عدل، منصور (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، چاپ نخست، تهران: خرسندی.
- * علی‌میرزائی، اقبال (۱۳۹۵)، «قواعد و شرایط نسخ احکام شرعی و قوانین موضوعه»، فقه و حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۳.
- * فتوحی راد، علی (۱۳۹۹)، «تحلیل کارکرد چک و حقوق دارنده چک بابت تضمین»، مطالعات حقوقی، دوره ۱۲، شماره ۲.
- * کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوازدهم، تهران: میزان.
- * کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، نظریه عمومی تعهدات، چاپ چهارم، تهران: میزان.
- * کاویانی، کوروش (۱۳۹۲)، حقوق اسناد تجاری، چاپ پنجم، تهران: میزان.
- * مسعودی تفرشی، بابک (۱۳۸۱)، «مقررات چک در قانون تجارت مصر»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲.
- * میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۷)، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ بیست و

یکم، تهران: میزان.

* نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۹۳)، «بررسی قاعده قضایی الحاکم ولی الممتنع و کاربرد آن در حقوق خانواده»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۹، شماره ۶۶.

* نیک‌فرجام، کمال (۱۳۹۲)، «مطالعه تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۱۸، شماره ۶۲.

